

تاریخ موسیقی عرب

داناںد. جی. گروت / کلود پالیسکا

ایرج بلہری



تاریخ موسیقی غرب

دانالد. جی. گروت - کلود پالیسکا

مجموعه‌ی موسیقی غرب - ۱۲

مترجم: ایرج بله‌ری

نمایه‌ساز: زهرا صدقی

مدیر تولید: امیرعلی علی‌نژاد

صفحه‌آرا: سیده سمانه حسن‌زاده

چاپ و صحافی: پردیس دانش

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۹

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۷۴-۸۴-۲

نشانی: خیابان نواب صفوی شمال، نبش آذربایجان، جنب ایستگاه متروی نواب،

برج گردون، ورودی شمال، طبقه ۹، واحد ۹۰۳

کدپستی ۱۳۱۹۶۵۳۸۸۶ - تلفن دفتر و دورنگار: ۶۶۳۸۳۳۱۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

۹.....	در باره ترجمه کتاب
۱۱.....	مقدمه
۱۵.....	فصل اول: وضعیت موسیقی در پایان دنیای باستان
۵۳.....	اصطلاحات.....
۵۷.....	فصل دوم: ترانه و آواز سکولار در قرون وسطی
۱۰۸.....	اصطلاحات.....
۱۱۱.....	فصل سوم: شروع پلی فونی و موسیقی قرن سیزدهم
۱۴۶.....	اصطلاحات.....
۱۴۹.....	فصل چهارم: موسیقی فرانسه و ایتالیای قرن چهاردهم
۱۸۱.....	اصطلاحات.....
۱۸۵.....	فصل پنجم: موسیقی قرون وسطی تا رنسانس
۲۰۹.....	اصطلاحات.....
۲۱۱.....	فصل ششم: دوره رنسانس: اوکه گم تا ژوسکن
۲۵۱.....	اصطلاحات.....

۲۵۳	فصل هفتم: گذارهای جدید در قرن شانزدهم
۳۱۳	اصطلاحات
۳۱۷	فصل هشتم: موسیقی کلیسایی در اواخر رنسانس
۳۴۹	اصطلاحات
۳۵۱	فصل نهم: موسیقی دوره اولیه باروک
۴۰۷	اصطلاحات
۴۰۹	فصل دهم: موسیقی و آواز در اواخر قرن هفدهم
۴۴۶	اصطلاحات
۴۴۹	فصل یازدهم: موسیقی سازها در آخر دوره باروک
۴۸۰	اصطلاحات
۴۸۳	فصل دوازدهم: اوایل قرن هجدهم
۵۴۱	اصطلاحات
۵۴۵	فصل سیزدهم: منابع سبک کلاسیک: سوناتا، سمفونی و اپرا در قرن هجدهم
۵۸۳	اصطلاحات

۵۸۵.....	فصل چهاردهم: اواخر قرن هجدهم.....
۶۲۱.....	اصطلاحات.....
۶۲۳.....	فصل پانزدهم: لودویگ فان بتهوون (۱۷۷۰-۱۸۲۷).....
۶۵۲.....	اصطلاحات.....
۶۵۳.....	فصل شانزدهم: قرن نوزدهم: رمانتیسیسم، موسیقی آوازی.....
۶۷۵.....	فصل هفدهم: موسیقی ساز در قرن نوزدهم.....
۷۱۷.....	اصطلاحات.....
۷۱۹.....	فصل هجدهم: قرن نوزدهم: اپرا و درام موسیقی.....
۷۴۷.....	اصطلاحات.....
۷۴۹.....	فصل نوزدهم: پایان یک دوره.....
۷۹۷.....	اصطلاحات.....
۷۹۹.....	فصل بیستم: قرن بیستم.....
۸۷۳.....	اصطلاحات.....
۹۱۱.....	نمایه.....

مقدمه

مراد از مروری دیگر بر این کنوکاوا تاریخی و دلچسب، ارتقاء کتاب و برگردان آن به چرخه و نه بازتولیدی مجدد آن است. اگر با چاپ‌های قبلی کتاب آشنایی داشته باشید درمی‌یابید که کتاب اساساً بی‌تغییر مانده است. لغت «غربی» در عنوان آن نشان از این واقعیت دارد که روند موسیقایی اروپای غربی و امریکا چیزی مانند دیگر موارد در تمدن جهان است که در این محدوده ذی‌علاقه ما در محدوده دیدگاه «هنر موسیقی» محض باقی و قطعاً حیطة وسیعی را شامل است. موسیقی عامه‌پسند شیخ جاز امروزی و تظاهرات مشابه با آن‌ها، در گذشته هم به صورتی هنرمندانه وجود داشته‌اند اما برای این کتاب مقذور نیست تا در این حیطة گسترده از موسیقی غربی وارد شود (خود موضوعی است که به بررسی جدی نیاز دارد). از این‌رو می‌تواند آن هم در مسیر جریان اصلی تاریخ موسیقی قرار گیرد زیرا که اهداف کتاب خدمت‌رسانی، به عنوان یک راهنمای تاریخ است.

از قبل ترس از آن بود که این نسخه مطابق با اصل و باعث خوشحالی منتقدان نشود، بنابراین به شرح چگونگی تفاوت نسخه (سوم) با نسخ قبلی آن می‌پردازم. چون تاریخ موسیقی قبل از هر چیز تاریخ سبک موسیقی است، لذا نمی‌توان بدون آگاهی دست‌آوایی از خود موسیقی به آن دست‌یازید. من از طرف ناشر دبلیو. دبلیو. نورتون و شرکاء دعوت شدم تا گلچین موسیقی غربی و آلبوم‌هایی توأمان را با ضابطه‌هایی به شکل پارتیتور و منبع اجرایی برای چاپ سوم طراحی کنم. اکثر بازبینی‌های این چاپ به منظور متوازن‌سازی کتاب با گلچین جدید انجام گرفت. مباحثی از چند گلچین قدیمی‌تر با طرح‌های مختصر شده به صورت سبک‌شناسی و تجزیه و تحلیلی دیگر هم با این منتخب گلچین مرتبط‌تر توأم شد.

در چاپ حاضر نکات تحلیلی حفظ و بسط یافته است و از متن اصلی جدا شده تا سیر تاریخی کتاب منقطع نشود. خواننده می‌تواند آن‌ها را جدا کند تا فرصتی برای تمرکز روی قطعات جداگانه داشته و پارتیتور جلو چشمش باشد و موسیقی در گوش‌اش.

نوآوری دیگر در این کار آن است که اصوات ادوار گذشته به صورت پاورقی آمده است تا در آن آهنگساز، موسیقیدان و شاهدان، نظراتشان را مشخصاً بگویند و در مورد موسیقی زمان خود اظهار نظر کنند که بیشتر آن‌ها ترجمه جدید شده است. به جای تنها یک جدول گاه‌شمار در تألیفات قبل، هر فصل یک دوره گاه‌شمار خاص خود را دارد. حواشی نیز حذف شده چون توضیحات مختصر خارج از متن اغلب گمراه‌کننده هستند. اصطلاحات فنی که برای اول بار ذکر می‌شوند معمولاً توضیح داده شده و در ضمیمه مستقیماً برای خواننده تشریح می‌شوند. همه ما در تولید و توزیع این کتاب درگیر بودیم و موافقت شد که این کتاب به صورت کامل و عملی در چاپ چهارم به انجام برسد تا آن‌قدر چشمگیر شود که کاربران مؤمن دوستش بدارند. این کتاب در سال‌های قبل هم مورد استفاده بوده و در این تألیف از فصل شروع دوره باروک، در آن تجدیدنظر شده است. در واقع به سختی می‌توان گفت که حتی یک صفحه از آن بازنگری نشده باشد، به خصوص به بخش قرن بیستم توجه خاص شده است.

چهل استاد دانشگاه به سؤالاتی که پیدا شده پاسخ گفته‌اند که در نسخه چهارم درج شده و انتقادات آن‌ها جداً بررسی و نظریاتشان لحاظ شده است. از هر نظریه‌ای به گرمی قدردانی شده است. استادانی که در این راه ما را یاری کرده‌اند این افراد هستند: جک آشورث از دانشگاه لونیوزویل، چارلز بروئر از دانشگاه روزولت، مایکل فینک از دانشگاه سن آنتونیو، دیوید فولر از سانی در بافولو، دیوید جورفسون از دانشگاه براون، استرلینگ مورای از دانشگاه وست چستر، جیمز سیدونز از دانشگاه لیبرتی و لاورن واگنر از کالج کینزی (ایلی‌نویز).

بعضی دوستان مهربان هم با جدیت دست‌نوشته‌های فصول را خوانده و انتقادات مفصلی در مورد بخش‌های چاپ چهارم نگاشته‌اند. پروفیسور تامس جی ماتی سن از دانشگاه بریگام یانگ پیشنهادهای بسیار مفصل برای قسمت‌های موسیقی دوره باستان داشته است. پروفیسور مارگوت فاسلر از دانشگاه ییل مفصلاً در مورد قسمت‌های آواز نظریاتی ارائه داده که مرا در مورد موسیقی اوایل مسیحیت عمیقاً به فکر واداشته است. دکتر لورل فی مرا به کوشش واداشت تا قضاوت صحیح‌تری از موسیقی روسیه و آهنگسازان شوروی پیدا کنم. چون انجام تمام این ملاحظات انتقادی برای ما مقدور نبوده لذا توقعات آن‌ها برآورده نشده است. با این حال، یقیناً آن‌ها از مسئولیت درباره کاستی‌های این کتاب که هنوز هم وجود دارد مبرا هستند. اما قدردانی من از آن‌ها به شدت احساس می‌شود.

متأسفانه مؤلف اصلی دانالد جی گروت در ۱۰ مارس ۱۹۸۷ فوت کرد و نتوانست در این بازنگری شرکت کند اما باید از خانواده او برای همکاری در این چاپ تشکر کنم. من همواره تلاش کرده‌ام تا نظر شایسته پروفیسور گروت که شامل بیان روان، ایده تخصصی و پرمغز اوست، به صورت دست‌نخورده باقی بماند.

مقدمه ۱۳

این چاپ را مدیون ذکاوت و فراست کلر بروک معاون و ویراستار دبلویو. دبلویو. نورتون می‌دانم. از دستیار او ریموند مورس هم به خاطر وظیفه‌شناسی‌اش در ملاحظه‌بسیاری از جزئیات تولید کتاب سپاسگزارم.
از همسرم الیزابت کیتل نیز به خاطر صبر و شرکت در بسیاری از امور مربوط به کتاب سپاسگزارم.

کلود. وی. پالیسکا
همدن، کانکینکات

فصل اول

وضعیت موسیقی در پایان دنیای باستان

آن‌ها که در ایالتی از ایالات امپراطوری روم قرن پنجم دوره مسیحیت زندگی می‌کردند، جاده‌هایی را که مردم تردد می‌کرده و اکنون متروک مانده‌اند، معابد، تماشاخانه‌های روباز که برای جماعات تماشاگر ساخته شده و اکنون بلااستفاده مانده و ویران شده‌اند و زندگی‌ای را که سراسر، نسل به نسل حقیرانه‌تر، نایم‌تر و خشونت‌بارتر شده است دیده‌اند. روم در روزگار عظمتش صلح را به زور بر اکثر اراضی اروپای غربی و دیگر بخش‌های قابل ملاحظه در آسیا و آفریقا برقرار ساخته بود، اما تدریجاً ضعیف‌تر شد به طوری که دیگر نتوانست از خود دفاع کند، بربرها از شمال و شرق به سرزمین آن‌ها ریختند و تمدن عام اروپا خرد و کوچک‌تر شد و پس از قرون متمادی، آرام‌آرام به شکل ملیت‌های مدرن، شروع به پیدایش کرد. فروپاشی و سقوط روم در تاریخ آن‌قدر هولناک بود که حتی اکنون هم درک آن برای ما مشکل است. در جریان این فروپاشی، روند متقابل با آن، تداوم ایجاد آرام کلیسای متمرکز مسیحیت بود. تا قرن دهم اساس بر اتحاد جوامع و ایجاد تمدن در اروپا بوده و اولین مجامع مسیحی علی‌رغم سیصد سال آزار و اذیت و پراکندگی به‌طور ثابتی رشد یافته و در سراسر امپراطوری استقرار یافتند. امپراطور کنستانتین سیاست مدارا را پس از ایمان آوردن خود به مسیحیت در سال ۳۱۲ میلادی با آنان در پیش گرفت و مسیحیت را دین رسمی خاندان سلطنتی اعلام داشت. در سال ۳۹۵ میلادی اتحاد سیاسی دنیای قدیم رسماً شکسته و روم به دو امپراطوری شرقی و غربی به پایتختی بیزانس و روم تقسیم شد. پس از یک قرن درگیری و حملات سهمگین، سرانجام امپراطوری روم غربی در سال ۴۷۶ میلادی به کلی از هم پاشید و تشکیلات قدرتمند پاپ‌ها که در آن زمان بسیار مستحکم بود کلیسا را آماده قبول مسئولیت اتحاد و تمدن‌سازی پس از روم کرد.



آپولو، کیتارای هفت سیمه‌ای در دست دارد که سازی پرطمطراق و محکم‌تر از لیر است. کیتارا ساز موسیقیدانان حرفه‌ای بوده. در دست راست آپولو زخمه‌ای است که با آن سیم‌ها را می‌کشیده و به نظر می‌رسد که با انگشتان دست چپ صدای زه را خفه می‌کرده است (اثر رنگ و روغن اواسط قرن پنجم قبل از میلاد یونان «موزه متروپولیتن، هدیه خانم و آقای لئون پومرانس، ۱۹۵۳»)

میراث یونان

تاریخ هنر موسیقی غرب دقیقاً با موسیقی کلیسای مسیحیت آغاز می‌شود، اما در تمام دوره قرون وسطی و حتی زمان حاضر هنرمندان و روشنفکران، مستمراً به دستورات موجود یونان و روم مراجعه و ابهامات کار خود را مرتفع و تصحیح کرده‌اند. در مورد موسیقی هم با وجود اختلاف فاحش با سایر هنرها این مقوله صدق می‌کند. ادبیات رومی همواره تأثیر خود را بر قرون وسطی اعمال کرده و افرادی چون ویرژیل، اووید، هوراس و سیسرون (چیچرو) مرتباً تحلیل شده و آثارشان خوانده شده است. این تأثیر در قرون چهاردهم و پانزدهم حتی بیشتر هم شد زیرا در زمان مکاشفه آثار رومی، ادبیات موجود یونان هم کشف شد. اما در ادبیات مانند سایر زمینه‌های هنری (خاصه مجسمه‌سازی) هنرمندان قرون وسطی و رنسانس این امتیاز را داشته‌اند تا از مدل‌های قدیمی الگوبرداری و در صورت لزوم هم از آن‌ها تقلید کنند، چون اشعار و مجسمه‌ها قبل از آن زمان هم وجود داشته‌اند. اما در مورد موسیقی این چنین نیست. موسیقیدان‌های قرون وسطی حتی یک نمونه ساده هم از موسیقی یونان و روم در دست نداشتند. البته تعداد محدودی سرود و آهنگ قدیمی در دوره رنسانس شناسایی شد و می‌دانیم که امروز هم حتی حدود چهل قطعه از اجزاء و آثار موسیقی یونانی پیدا شده که اکثرشان به تاریخ آخر سده‌های باستان تعلق دارند و قدمتشان به حدود هفت قرن قبل از دوره رنسانس می‌رسد. بقایای موثقی از موسیقی روم قدیم در دست نیست، اما از فحوای گفته‌ها و اعتقادات عامه و رونوشته‌های موزاییکی و نقاشی‌ها و مجسمه‌ها برمی‌آید که موسیقی جایگاه مهمی در زندگی ارتش روم، تئاتر و مذهب و مراسم مربوطه به آن‌ها داشته است. دلایل خاصی برای امحاء سنت‌های تعالیم موسیقایی رومی در شروع قرون وسطی وجود دارد زیرا اغلب این موسیقی‌ها مرتبط با مناسبت‌های اجتماعی بوده و کلیسای اولیه به آن‌ها نظر هراس‌آلودی داشته یا به دلیل داشتن آموزه‌های کفرآلود، کلیسا کمر به نابودی آن‌ها بسته بوده است؟ در نتیجه، تلاش بسیار برای دور نگه‌داشتن آن‌ها از دسترس عامه انجام گرفته است زیرا

فصل اول: وضعیت موسیقی در پایان دنیای باستان ۱۷

چنین موسیقی که چنان رخوتی در ذهن مؤمن به جا می‌نهد در صورت امکان حتی باید خاطره‌اش هم از نظر محو شود.

گاه‌شمار تاریخ	
۸۰۰ الی ۴۶۱ قبل از میلاد: ایجاد شهرهای یونان	۳۲۰ قبل از میلاد: عناصر هارمونیک آریستوزنوس
۵۸۶ قبل از میلاد: اساکاداهای آرگوس، برنده‌های بازی‌های فیتیان	۴۶ قبل از میلاد: دیکتاتوری جولوس سزار
یا نوموس پی‌تی‌کوس Nomos Pythicos	۱۹-۲۶ قبل از میلاد: انه‌اید اثر ویرژیل
۴۷۹ قبل از میلاد: مرگ پیتاگوراس	۴ قبل از میلاد: تولد مسیح
۴۵۸ قبل از میلاد: آکیلوس، آگاممنون	۳۳ میلادی: تصلیب مسیح
۴۱۴ قبل از میلاد: ایفی‌ژینا این تاوریس اثر اورپیدس	۵۴ میلادی: امپراطوری نرون
۳۸۰ قبل از میلاد: جمهوریت اثر افلاطون	۷۰ میلادی: تخریب معبد بیت‌المقدس
۳۳۰ قبل از میلاد: سیاست‌نامه اثر ارسطو	۳۳۰ میلادی: قسطنطنیه پایتخت جدید روم شرقی

نقش موسیقی در زندگی و اندیشه یونان باستان

در اساطیر یونان، موسیقی را به منشاء آسمانی منتسب می‌کردند و با نام مخترعان و پژوهندگان نخستین، خدایان و شبه‌خدایانی مانند آپولو، آمفیون و اورفئو معروف بودند. در این دنیای مبهم ماقبل تاریخی، موسیقی نیروهای سحرآمیزی داشته و تصور مردم از آن به عنوان شفابخش بیماری‌ها، خالص‌کننده و سازنده وجود و ذهن بوده که در قلمرو طبیعت معجزه‌گری می‌کرده است. وجود چنین نیروهایی در موسیقی در کتاب مقدس عهد عتیق نیز مورد تأیید است. فقط ذکر داستان داوود که توانست با نواختن چنگ دیوانگی شاتول را شفا بخشد (ساموئل ۲۳-۱۶:۱۴) یا با نواختن و غریو شیپورها، دیوارهای جریکو فرو ریختند (جوشوا ۲۰-۶:۱۲) در تأیید آن کافی است. در عصر هومر شعرای دوره‌گرد، اشعار حماسی را در ضیافت‌ها می‌خواندند (اودیسه ۸۲-۸:۶۲).

از همان زمان‌های قدیم موسیقی بخشی جدا نشدنی از مراسم مذهبی بوده است. ساز مرسوم در نیایش آپولو، لیر بود در حالی که در نیایش دیونیسوس، آنولوس ساز برتر به حساب می‌آمده که به نظر می‌رسد هر دو ساز از آسیای میانه به یونان رسیده‌اند. لیر و هم‌خانواده بزرگترش کیتارا سازهایی با پنج تا هفت زه بودند (کیتارا حتی تا بیش از یازده زه هم داشته) که هر دو برای تک‌نوازی یا همراهی آواز و قرائت اشعار رزمی به کار می‌رفته‌اند. آنولوس ساز تک‌نی یا دو نی (نه مانند فلوت) بوده، غالباً در هر دو لوله آن دمیده می‌شده، لحن صدایش جیغ و گوش‌خراش و برای نوع خاصی شعر (دیتی رامب «آواز ساده») در ستایش دیونیسوس و تصور می‌شود گسترش‌دهنده درام یونانی بوده است. به این سبب در آثار عهد کلاسیک آشیلوس، سوفوکل، اورپیدس دستجات کُر و سایر بخش‌های موسیقی با صوت آنولوس همراهی و به تناوب اجرای برنامه می‌کرده‌اند.

لااقل از حدود قرن ششم قبل از میلاد هم لیر و هم آنولوس به شکل سازی تک‌نواز، مستقل نواخته می‌شده و تا حد زیادی در فستیوال یا مسابقات موسیقی بازی‌های فیتیان در ۵۸۶ قبل از میلاد بکار برده می‌شده‌اند. در آن بازی‌ها، ساکاداس اثری را با آنولوس می‌نواخته و در نوموس^۱ (نت آن زمان) فیتیان به صورت صحنه‌های مختلف نزاع بین آپولو و اژدهای فیتیون نقش شده است. مسابقات بین نوازندگان کیتارا و آنولوس و فستیوال‌های موسیقی آوازی و سازی به شکل رو به تزایدی پس از قرن پنجم قبل از میلاد مرسوم بوده و هر قدر موسیقی به همراه ساز مستقل‌تر رشد می‌کرد تعداد استادان نوازها زیادتر شده و در همین زمان خود موسیقی هم از هر نظر پیچیده می‌گردیده است. در مورد گسترش حرفه موسیقی ارسطو در قرن چهارم علیه این میزان آموزش حرفه‌ای در کاربرد عام موسیقی، هشدار داده است:

اگر هنرجویان موسیقی در حد معینی از هنر متوقف شوند میزان صحیحی از آن هنر حاصل می‌آید تا در مسابقات حرفه‌ای مورد استفاده قرار گیرد، اما نباید به دنبال کسب شگفتی‌های پرشکوه در اجرا، که این روزها مُد این‌گونه مسابقات شده و به خاطر آن مسابقات، عامه به تحصیل این هنر پرداخته‌اند باشیم. بگذاریم جوانان همان‌طور که مشخص کرده‌ایم موسیقی را بیاموزند و صرفاً به آن بخش از موسیقی که هر برده یا بچه و حتی بعضی حیوانات لذت را جست‌وجو می‌کنند وارد نشویم.^۲

مدتی پس از عهد کلاسیک (حدود ۴۵۰ تا ۳۲۵ قبل از میلاد) در برابر پیچیدگی‌های فنی عکس‌العملی مشاهده شد و با شروع دوره مسیحیت تئوری موسیقی یونانی، حتی در عمل ساده‌تر شد. اکثر نمونه‌های باقی‌مانده از موسیقی یونان از زمان‌های نسبتاً دور به ما رسیده که عمده‌ترین آن‌ها شامل این موارد بوده است: (۱) بخشی از اورستس اثر اورپیدس (سطور ۳۴۴-۳۳۸) از یک پاپیروس (نوع کاغذ آن عهد) همراه گروه کُر حدود سال ۲۰۰ قبل از میلاد که موسیقی آن احتمالاً از خود اورپیدس بوده است؛ (۲) بخشی از ایفی‌ژنیا این آنولیس اثر اورپیدس (سطور ۷۹۳-۷۸۳) یک سرود دلفیک برای آپولو و نسبتاً کامل که بخش دوم آن به سال ۱۲۷-۱۲۸ قبل از میلاد می‌رسد؛ (۳) یک اسکولیون یا آواز نوح که به صورت سنگ‌نوشته روی قبر نگهداری و مربوط به قرن اول یا کمی بعد از آن است؛ (۴) سرود برای خورشید^۳؛ (۵) سرود برای نِمِسیس^۴؛ (۶) سرود برای الهه کالیوپه^۵ از موسامهدس در جزیره کرت قرن دوم است.

1. nomos

۲. ارسطو، کتاب سیاست‌نامه، ترجمه بی. جوت B. Jowett به نام آثار اصلی ارسطو: نیویورک، ۱۹۴۱

3. NAWM2

4. Nemesis

5. Calliope

A History of Western Music

Donald Jay Grout, Claude V. Palisca

اگر بخواهیم چهار ویژگی موسیقی غربی را ذکر کنیم که از قرن یازدهم شروع به شکل‌گیری کرد، می‌بینیم که برخی پیشرفت‌ها در قرن دوازدهم باعث تغییر سه ویژگی تقریباً ناشناخته در موسیقی شده است: کمپوزیسیون، نت‌نویسی و اصول ترتیبی ...

این تغییر وسیع‌تر از تمام هشت قرن قبل بود. اگر درباره‌ی ایندیترمینسی جامع فکر کنیم، اصول ترتیبی به شکلی عمده‌ی، متوقف شد. تنها پلی فونی باقی ماند. با نگاهی بر همه این موارد چیز زیادی در قرن بیستم برای گفتن وجود ندارد و ما شاهد تحول در موسیقی به مفهوم کامل کلمه‌اش هستیم.

این انقلاب بود که ابتدا روی عده‌ی کمی اثر گذاشت، ولی بدان معنی نیست که این تعداد اندک کل موسیقی «جدی» (که در مورد هنر موسیقی به شکل پیچیده مهم نبودند. حتی تمام شنوندگان تلاش برای فهم آن لازم است) هیچ گاه و در هیچ زمانی بیشتر از جزء کوچکی از مردم را شامل نشده‌اند. این شنونده‌ها که هنوز هم نسبتاً کم هستند برای شنیدن موسیقی جدید و تجربی حتی کمتر هم شده‌اند که این خود طبیعی و عادی است. آهنگسازانی که با اسلوب مشکل و ناآشنا اثری بنویسند، نمی‌توانند طبعاً انتظار مخاطب زیادی را داشته باشند. ضمناً «برای چه کسی مهم است که آنها به موسیقی گوش می‌دهند؟» (از مقاله‌ی میلتنون باییت، فوریه ۱۹۵۸)

برخی سازندگان آثار همیشه درباره‌ی شنونده‌های خود حساس‌اند. ربع قرن پیش، بیشترین مخاطبان آثار آهنگسازان، مردم عادی بودند تا آهنگسازان، هنرجویان و تحلیل‌گران. این علاقه با فاصله‌ای که بین آهنگساز و شنونده پدید آمده بود، فقط با ساده‌سازی و حتی به حداقل رسانیدن محتوا و تولید سبک‌های هیبریدی (آمیخته) ناشی از پیوند بین هنرها و موسیقی غیرغربی و فولکلور و قومی، بهینه‌سازی تشکیلات موسیقی و نه پنهان‌سازی آن با تلاش‌های زیاد جهت پل زدن بین موسیقی مرسوم گذشته و حال ممکن شد.

